

صراط



تقریباً ۷۰ سال قبل، شهر قم، حوزه علمیه‌ای را که به وسیله مرحوم آیت‌الله‌الظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری تأسیس شد، صمیمانه در آغوش گرفت. بعد از تشکیل این حوزه، تقریباً ۴۰ سال که گذشت، اولین نشانه‌های بر کات جهانگیر آن – یعنی نهضت اسلامی و گوهر یکتای در خشان امام عظیم‌الشان – درخشید.اگر چه در آن ۴۰ سال هم علما و بزرگانی از حوزه قم بیرون آمده بودند و بر کاتی بر آن مترتب شده بود اما در مقطع تقریباً ۴۰ سالگی حوزه که امام قد برافراشت و حوزه علمیه وارد

انقلاب اسلامی، بزرگ‌ترین ثمره زحمت آیت‌الله حائری

مرحله جدید تاریخی شد، داستان دیگری است. تقریباً ۶۰ سال بعد از تشکیل حوزه علمیه به وسیله آیت‌الله حائری، بزرگ‌ترین ثمرهای که ممکن است بر وجود همه حوزه‌های علمیه و علمای دین مترتب شود – یعنی تشکیل نظام اسلامی – مترتب شد. هیچ حوزه علمیه‌ای در تاریخ تشیع و غیرتشیع از محیط‌های اسلامی، هر گز چنین برکتی را به جهان اسلام نداده بود که حوزه علمیه قم داد. سال ۱۳۳۰ هجری قمری حوزه تشکیل شد و در سال ۱۴۰۰ نظام اسلامی از حوزه

اندیشه

درخشید و جوشید.

حوزه قم نبود؛ یک حوزه کم‌رنگ بی‌رونقی بود بعد از آن رونق اولیه عهد اسبق.حاج شیخ عبدالکریم حائری (ره) آمد،حوزه جان گرفت؛ اینجوری است حوزه علمیه.امروز را نگاه نکنید؛ فردایی وجود دارد؛ این فردا چگونه است؟ این را شما باید معین کنید؛ امروز باید معین کند.

بیانات رهبر انقلاب در دیدار جمعی از استاید و فضلا و مبلغان و پژوهشگران ۸/۹/۸۶



در دو سال بی در بی هفته علمی تمدن نوین اسلامی برگزار شد و بیش از ۱۵۰ عنوان مقاله علمی

اعم از خوب و متوسط منتشر شد، لکن هرچه جلوتر رفتیم، خلأ وجود یک تفکر منسجم و روشن در این زمینه که بتواند به بحث‌های مرتبط با تمدن نوین اسلامی جهت بدهد بیشتر هویدا شد.ابتدا به

دنیا تقاضا از یکی از دوستان حوزوی یا دانشگاهی برای تدوین یک اثر بنیادی در این زمینه بودم لکن تصور کردم اگر خودم این کتاب را تدوین کنم به دلیل سائبقه مطالعاتی در این عرصه، زمینه شکل‌گیری تفکر مورد نظر سریع‌تر فراهم خواهد شد. با وجود این به دلیل ضیق وقت تصمیم گرفتم

به جای تألیف کتاب، ۱۰ جلسه درس گفتار برگزار و حاصل این درس گفتاها را منتشر کنم. بر همین اساس طرحی را تهیه کردم و پس از مشورت با برخی استاید، درس گفتاها در محل خانه

اندیشمندان علوم انسانی به صورت هفتگی در بهار و تابستان سال ۱۳۹۶ و با حضور شماری از دانش پژوهان علاقه‌مند برگزار شد. درس گفتارهای «فلسفه تمدن نوین اسلامی» طی ۱۰ جلسه برگزار شد و در هر جلسه به موضوعات مختلفی پرداخته است.

موضوعات جلسات به ترتیب شامل مفهوم و مؤلفه اصلی تمدن، ضرورت، تمایزات، تعریف و مراحل تمدن نوین اسلامی، تعریف، مشخصات و مراحل تمدن نوین اسلامی، ادوار تاریخی تمدن اسلامی و نسبت تمدن تاریخی و تمدن نوین، انسان در تراز تمدن نوین اسلامی، هویت و تمدن نوین اسلامی، فناوری و تمدن نوین اسلامی، فلسفه اسلامی و تمدن نوین اسلامی، فقه و تمدن نوین اسلامی و اندیشه سیاسی و تمدن نوین اسلامی شده است.

همچنین ضمیمه این کتاب در بخش پایانی با موضوع «بررسی امکان شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی با محوریت ایران» آمده است.

ولایت فقیه نمی‌توان یافت اما اجمالاً منبعی که از ایشان قابل بررسی است، تقریراتی است که مرحوم آیت‌الله محمد علی ارکانی از ایشان ثبت نموده است. در این مجموعه که به «کتاب البیع و المکاسب المحرمه» مشهور است، به ضرورت وجود حکومت اسلامی به منظور حفاظت از اموال و ناموس مردم اشاره می‌کند. شیخ عبدالکریم وجود دولت و حاکمیت را برای تأمین ضرورت‌های اجتماعی مردم، صیانت از اموال مسلمین و دفع شر دشمنان ضروری می‌شمرد. تفاوت دیدگاه ایشان در مسئله حکومت دینی با فقهای دیگر قائل به ضرورت تشکیل حکومت دینی، آن است که شیخ، تشکیل حکومت و زعامت آن را وظیفه خاصه فقها نمی‌دانند و اعتقاد دارند هر آن کس که در توان داشته باشد، دولت مقتدری را در دست بگیرد و معتقد به باورهایی شیعی باشد، از دایره سلطان جائز خارج است

و بزند چنین پاسخ می‌داد: «آن کس که می‌خواهد قیام کند باید طر فدار داشته باشد. باید همه قیام کنند و از خود گذشتگی داشته باشند. من با تاجری که حاضر نیست از منافع خود دست بکشد و کیلی که حاضر نیست از ماهی ۲۰۰ تومان بگذرد چه کاری می‌توانم بکنم؟»

امام خمینی که از درس آموختگان مکتب آیت‌الله حائری در قم بوده است رویکرد سیاسی ایشان را در مواجهه با حکومت پهلوی منطبق با شرایط و اوضاع جامعه می‌دانند و اعتقاد دارند: «اگر مرحوم حاج شیخ در حال حاضر بودند کاری را انجام می‌دادند که من انجام دادم و تأسیس حوزه علمیه در آن زمان از جهت سیاسی کمتر از تأسیس جمهوری اسلامی در ایران امروز نبود.»



آیت‌الله العظمی آیت‌الله‌المرعشی نجفی (ره)

انتخاب داشته است. انتخاب اول مقابله و اعتراض شدید به سیاست‌های حکومت که نتیجه آن تخریب حوزه تازه تأسیس قم و افزایش اهانت‌ها به دین با هم‌راهی حکومت و روشنفکران وابسته به حکومت می‌بود. انتخاب دوم تغییر و در عوض اهتمام به افزایش قدرت و استحکام پایه‌های حوزه علمیه قم و تربیت شاگردانی در فضای علوم دینی بود که بتوانند جامعه را به آگاهی لازم برای انتخاب مسیر درست حرکت و راهی از استبداد و استعمار برسانند. در پاسخ به اعتراض برخی گروه‌های مردم که از وی می‌خواستند مقابل حکومت پهلوی دست به قیام

نمی‌کردند، فرمود:

■ نظر به شیخ پیرامون حکومت اسلامی
گرچه شیخ عبدالکریم به واسطه فعالیت اجرایی سنگین در حوزه علمیه قم و علاوه بر آن، به عهده گرفتن بسیاری دیگر از امور شهر قم همچون تأسیس اولین بیمارستان در قم، تعمیر و بازسازی مدرسه دارالشفا، تأسیس کتابخانه فقیهیه، ایجاد قبرستان و غسالخانه، ایجاد سد و سیل بند در رودخانه قم، احداث واحدهای مسکونی برای سیل‌زدگان شهر و… همچون استادش میرزای شیرازی، کمتر فرصت برای تألیف اندیشه‌های یافت. لذا بحث مدون و دقیقی از ایشان پیرامون کیفیت اعمال

آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار و از فقهای بنام در تاریخ معاصر ایران به حساب می‌آید. اهمیت مواضع ایشان از آنجاست که احیای حوزه علمیه قم به دست ایشان اتفاق افتاده است. از همین رو این نوشتار بر آن است ضمن واکاوی اندیشه سیاسی این مجتهد بزرگ به بررسی ابعاد فقه حکومتی از منظر ایشان بپردازد.

■ ■ ■

■ وضعیت دوران حیات آیت‌الله حائری یزدی

آیت‌الله حائری یزدی مرجع تقلید مسلم شیعیان پس از میرزای شیرازی، در روستای مینبد از توابع یزد به دنیا آمد. ایشان مقدمات علوم دینی را در همان یزد فراگرفت و در سن ۱۸ سالگی به عراق عزیمت کرده و پای درس آیت‌الله میرزای شیرازی تلمذ نمود.

وی پس از سال‌ها حضور در نجف، کربلا و سامرا به درخواست علمای ایران به کشور بازگشت و مدرسه فقیهیه قم را پس از آن‌که میرزا محمد فیض قمی آن را مرمت و بازسازی کرده بود محلی برای تربیت طلاب علوم دینی قرار داد.

بدین سان آیت‌الله حائری یزدی پایه‌های حوزه علمیه قم را بنا نهاد که در مکتب آن فقهای بزرگی تربیت شدند.

آیت‌الله حائری یزدی در حالی موفق به احیای مدرسه علوم دینی در قم شد که دوران حیات ایشان با ناآرامی‌های بسیار در عرصه سیاسی همواره بود.

این دوران، معاصر با مشروطیت بود که از یک سو هجوم روشنفکران به عرصه ترویج اعتقادات و از سوی دیگر ورود روحانیت به صورت جدی به عرصه سیاست را به همراه داشت. با روی کار آمدن حکومت پهلوی و رویکرد ضد روحانیت رضاشاه فشار سنگینی بر روحانیت وارد آمد و سلطنت رضاشاه همراه با سرکوب اختناق و استبداد شدید بود.

در چنین شرایطی و در سال ۱۳۰۱ هجری شمسی حوزه بزرگ علمیه قم را تأسیس کرد و پس از آن آیت‌الله مؤسس لقب گرفتند.

هدف اساسی شیخ از تأسیس حوزه علمیه، اشاعه باورهای مذهبی در جامعه اسلامی بود که در دوران مشروطیت با حضور اندیشه‌های غربی تا حدودی دچار انزوا شده بود.

هدف دوم ایشان تلاش برای احیای نظام فقاht و پرورش تخصصی طلاب در ایواب مختلفه فقهی به گونه‌ای بود که بتوانند در خصوص مسائل روز صاحب حکم و فتوا باشند.

■ رویکرد شیخ در دخالت در امور سیاسی

برداشت‌های مختلفی از رویکرد سیاسی شیخ عبدالکریم حائری یزدی صورت گرفته است. برخی معتقدند سکوت وی مقابل روی کار آمدن و سیاست‌های رضاخان به منزله همراهی سازش با حکومت پهلوی بوده است در حالی که شواهد متعددی این فرضیه را رد می‌کند.

برخی معتقدند با توجه به شرایط سیاسی موضوع و هدف ایشان در احیای حوزه، ایشان سیاست تغییر را در پیش گرفته بودند. جالب است ایشان در پاسخ به فردی که در اعتراض به سکوت ایشان خطاب به شیخ می‌گویند آیا می‌دانی پهلوی می‌خواهد ایران را نصرانی کند؟ چنین پاسخ می‌دهند می‌دانم ولی آیا شما می‌خواهید کاری کنم که زودتر این کار را بکنند؟ همین نقل قول از ایشان نشان می‌دهد که وی معترض به سیاست‌های پهلوی بوده و از روی رضایت یا سازش تن به این سیاست‌ها نداده است. اتفاقاً مواجهه رضاخان میرپنج با آیت‌الله حائری نه از سر رقابت بلکه به‌شدت همراه بوده است: «اگر حاج شیخ عبدالکریم نفس می‌کشید، یک کلمه‌ای می‌گفت فوری ماشین روانه خانه‌اش یا حوزه می‌کردم و می‌فرستادم آنجا که عرب نی انداخت!»

حتی در برخی موارد که شیخ معترض به سیاست‌های حکومت در مواردی چون کشف حجاب شده بود رضاشاه با بی‌ادبی تمام در پیامی می‌نویسد: «فتارتان را عوض کنید و گر نه حوزه قم را با چاقو یکسان می‌کنند. کشور مجاور ما کشف حجاب کرده و با اروپا ملحق شده است، ما نیز باید این کار را بکنیم و این تصمیم هرگز لغو نمی‌شود.» اتفاقاً پس از اعتراض آیت‌الله حائری، رضاخان از روی لجبازی متحداالشکل کربان لب‌ساز و کشف حجاب را در قم با شدت بیشتری پیگیری می‌کند به طوری که آیت‌الله حائری خطاب به اطرافیان می‌گویند: «یدی» اگر تلگراف نمی‌کردم یک عده گرفتار نمی‌شدند و این قدر هم تسریع در متحداالشکل شدن نمی‌شد.» از بر خوردهای فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که سکوت شیخ ناشی از این مسئله بوده است که او دو

پیشخوان

فلسفه تمدن نوین اسلامی منتشر شد



کتاب «فلسفه تمدن نوین اسلامی» دربرگیرنده درس گفتارهای حجت‌الاسلام رضا غلامی، رئیس مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا توسط انتشارات سوره مهر منتشر شد.

تبدیل استعداد از مرحله بالقوه به مرحله بالفعل، آن هم در یک درجه مقبول. کار ساده‌ای نیست و قطعاً نیازمند برنامه‌ریزی و مجاهدت شبانه‌روزی و طولانی است. بنابراین ساده‌انگاری است اگر تصور شود ارائه فهرستی از قابلیت‌های تمدن‌سازی به معنای وجود زمینه‌های کاملاً آماده برای ورود سریع به مسیر تمدن‌سازی است. باید توجه کرد که شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، یک هدف بسیار بزرگ و به‌غایت پیچیده و پرمعارض است که بر فرض

فراهم شدن مقدمات لازم و همچنین رفع موانع، در آینده به تدریج قابل تحقق است.

رضا غلامی در پیشگفتار این کتاب آورده است: «تمدن نوین اسلامی یکی از مباحث روز و بسیار جدی است که طی سال‌های اخیر ذهن بسیاری از اندیشمندان را به خود مشغول ساخته است. البته در این بین هستند کسانی که باانکار ظرفیت‌های منحصر به فرد اسلام ناب برای تمدن‌سازی یا معارض دانستن تمدن‌سازی با اهداف اسلام، خود و دیگران را از ورود به این ساخت محروم می‌کنند ولیکن این بحث از چنان منطقی‌ای بر خوردار است که بتواند ضمن دفاع از خویش، نظر مخاطبان فرهیخته و عمیق‌بین را به خود معطوف نماید…»

سال ۱۳۹۴ بود که ایده برگزاری هفته علمی تمدن نوین اسلامی به ذهن اینجانب رسید و از همفکرانم درخواست کردم تا با طراحی و تأسیس تمدن نوین اسلامی، فرصت بحث و گفت‌وگوی اندیشمندان حوزه و دانشگاه را در این میدان فراهم کنند…»

در دو سال بی در بی هفته علمی تمدن نوین اسلامی برگزار شد و بیش از ۱۵۰ عنوان مقاله علمی اعم از خوب و متوسط منتشر شد، لکن هرچه جلوتر رفتیم، خلأ وجود یک تفکر منسجم و روشن در این زمینه که بتواند به بحث‌های مرتبط با تمدن نوین اسلامی جهت بدهد بیشتر هویدا شد.ابتدا به دنیا تقاضا از یکی از دوستان حوزوی یا دانشگاهی برای تدوین یک اثر بنیادی در این زمینه بودم لکن تصور کردم اگر خودم این کتاب را تدوین کنم به دلیل سائبقه مطالعاتی در این عرصه، زمینه شکل‌گیری تفکر مورد نظر سریع‌تر فراهم خواهد شد. با وجود این به دلیل ضیق وقت تصمیم گرفتم

به جای تألیف کتاب، ۱۰ جلسه درس گفتار برگزار و حاصل این درس گفتاها را منتشر کنم. بر همین اساس طرحی را تهیه کردم و پس از مشورت با برخی استاید، درس گفتاها در محل خانه

اندیشمندان علوم انسانی به صورت هفتگی در بهار و تابستان سال ۱۳۹۶ و با حضور شماری از دانش پژوهان علاقه‌مند برگزار شد. درس گفتارهای «فلسفه تمدن نوین اسلامی» طی ۱۰ جلسه

بگزار شد و در هر جلسه به موضوعات مختلفی پرداخته است.

موضوعات جلسات به ترتیب شامل مفهوم و مؤلفه اصلی تمدن، ضرورت، تمایزات، تعریف و مراحل تمدن نوین اسلامی، تعریف، مشخصات و مراحل تمدن نوین اسلامی، ادوار تاریخی تمدن اسلامی و نسبت تمدن تاریخی و تمدن نوین، انسان در تراز تمدن نوین اسلامی، هویت و تمدن نوین اسلامی، فناوری و تمدن نوین اسلامی، فلسفه اسلامی و تمدن نوین اسلامی، فقه و تمدن نوین اسلامی و اندیشه سیاسی و تمدن نوین اسلامی شده است.

همچنین ضمیمه این کتاب در بخش پایانی با موضوع «بررسی امکان شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی با محوریت ایران» آمده است.

کتاب «فلسفه تمدن نوین اسلامی» دربرگیرنده درس گفتارهای حجت‌الاسلام رضا غلامی، رئیس مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا در ۲۴۸ صفحه، توسط انتشارات سوره مهر، زمستان ۱۳۹۶ منتشر شده است.

فرهنگ‌نامه

متعلقات عالم مدرن

دوران مدرن، برهه‌ای از زندگی بشر است که برای عصر فعلی زیست بشر نیز به کار می‌رود. اصطلاح مدرن، برخلاف کاربرد عامیانه بار معنایی بسیار زیادی داشته و چارچوب‌های ایدئولوژیک فراوانی بر مبنای آن سامان یافته است که تعمق در برخی واژگان مرتبط با این مفهوم می‌تواند به درک بهتر وضعیت و چیستی این مفهوم کمک کند.

دوران مدرن modern age (تاریخ، تمدن‌شناسی)

در اصطلاح تاریخ‌شناسی دوران مدرن به بازه زمانی اطلاق می‌شود که پس از پایان یافتن قرون وسطی آغاز شده است.

پشت سر گذشتن قرون وسطی در اروپا و وارد شدن به دوران مدرن

در واقع همراه با تحولات تمدنی و تحولات شگرف در سبک زندگی انسان اروپایی بود، به گونه‌ای که سایر تمدن‌هان نیز از تغییرات ایجاد شده در دوران مدرن تأثیر پذیرفتند. این بازه زمانی که تا امروز نیز ادامه داد از اوایل قرن ۱۶ میلادی و همگام با رنسانس به وقوع پیوست. به طور کلی دوره مدرن را می‌توان به دو برهه کلیدی تقسیم کرد؛ برهه اول از آغاز ۱۶۰۰ میلادی است که در واقع، شکل‌گیری ساختارهای فکری و مبنایی تمدن مدرن در این بازه شکل می‌گیرد.

از مهم‌ترین نقاط عطف این برهه از دوران مدرن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

وقوع رنسانس، انقلاب‌های علمی، اکتشافات سرسرزمینی، اصلاحات کاتولیک و شکل‌گیری نهضت پروتستان، آغاز عصر فلانسه معروف به روشنگری.

در برهه دوم، که از ۱۸۰۰ آغاز می‌شود، انقلاب‌های بزرگی همچون انقلاب کبیر فرانسه، جنگ‌های هفت ساله، افزایش چشمگیری جمعیت جهان به یک میلیارد نفر (معروف به انفجار جمعیت) و پدیده انقلاب صنعتی در این دوران رخ داده است.

مدرنیته modernity (فلسفه)
مدرنیته گرچه در کاربرد روزمره و بصورت نوگرایی یا تجددگرایی ترجمه شده و هر پدیده جدید یا منطقی یا تکنولوژی روز، پدیده مدرن اطلاق می‌شود؛ اما در واقع، ریشه‌شناسی لفظ «مدرنیته» اشاره به تفکری دارد که در دوران مدرن شکل گرفته و استیلا یافته است.

تفکر مدرنیته دارای پارادایمی است که در رأس شامل خصوصیات است که مهم‌ترین آنها محوریت دادن به انسان و خرد انسانی به عنوان «مبوه» اصلی این نظام هستی و تفسیر جهان مبتنی بر این اصل است. تفکر مدرن در طول قرون گذشته نهضت‌ها و جنبش‌های فراوان فکری، ادبی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و… را رقم زده است و در واقع شیوه نگرش انسان مدرن را نسبت به جهان تغییر داده است.

فراوراثت‌هایی همچون لیبرالیسم، سوسیالیسم، فاشیسیزم و… همگی خرده تفکرانی هستند که از تفکر مدرنیته نشئت گرفته‌اند. این تفکر گرچه در قرن گذشته میلادی یا چالش‌های بزرگی همچون

«پست‌مدرنیسم» مواجه شد، اما همچنان همه شئون تفکر انسان غربی را شامل می‌شود و هابرماس از فلاسفه متأخر از مدرنیته به عنوان «پروژه ناتمام» یاد می‌کند. همان‌گونه که بیان شد، مدرنیته به مثابه یک تفکر، دارای رئوسی است که گرچه بعضاً محورهایی از آن مورد تشکیک یا اعتراض فلاسفه غرب قرار گرفت، اما هرگز به صورت کلی نفی نشده است. برخی از این رئوس عبارتند از:

اعتقاد به انسان خودمختار: همان‌طور که بیان شد، با ظهور تفکر دکارت مبنی بر سوزبه بودن انسان و ایزه بودن سایر موجودات جهان، انسان متفکر و مختار به عنوان رأس عالم شناخته شد.

جدایی دین از دولت: در جنبه سیاسی، تفکر مدرن همواره به اصل جدایی دین و دولت پایبند بوده است.

عقلانیت ابزاری: در واقع اشاره به روش شناخت هستستی توسط انسان مدرن دارد که با بی‌توجهی به مقولات غیرقابل شناخت و نامحسوس، صرفاً گسترده دانش بشری را به شناخت طبیعت و امکان به‌کارگیری تکنولوژی محدود می‌سازد.
پاک کردن خرد ابزاری از مقولات غیرمحسوس (و به تعبیر فلاسفه مدرن آفسون‌زدایی)، مرز شناخت مدرنیته را از سایر تفکرات نشان می‌دهد.

مدرنیسیسم (modernism) فلسفه: گرایش فقتاری و فکری به تفکر مدرن را مدرنیسیسم یا نوگرایی می‌گویند. مدرنیسیسم خود در قالب جنبش‌های متعدد سیاسی و فرهنگی، در دنیای غرب و سایر تمدن‌ها، اثرات زیادی در قالب‌هایی نظیر هنر، معماری، ادبیات، فلسفه و… به جای نهاده است.

افراد معتقد به گرایش مدرنیسیسم، در اصلاح مدرنیست خوانده می‌شوند.

مدرنیزاسیون: (modernization) (فلسفه – سیاست)

پروژه‌ای که درصداست گرایش مدرنیسیسم را در سطح یک جامعه هم‌ژن نموده و بر سایر تفکرات غلبه دهد. در مدرنیزاسیون تلاش می‌شود تا با تغییر باورها و مفروضات بنیادین یک جامعه، ارزش‌های تفکر مدرن در ساحت ذهنی و عینی آن جامعه شکل بگیرد.